



سیاست‌های حمایتی از ایثارگران در کشورهای خاورمیانه؛ مطالعه تطبیقی ایران، عراق و لبنان

تیمور بابا احمدی میلانی^۱، مسعود راعی دهقی^۲، علیرضا انصاری مهیاری^۳

۳۸

دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۸

پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۶/۲۰

صص: ۳۰۲-۲۸۵

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۳۸۱-۰۳۱۷-۲۷۱۷



چکیده

جنگ‌ها و منازعات چنددهه‌اخیر در خاورمیانه، جمعیت عظیمی از ایثارگران، جانبازان و خانواده‌های شهدا را در سراسر این منطقه پدید آورده و دولت‌ها را به طراحی نظام‌های حمایتی متنوع ناگزیر ساخته است. در مقاله حاضر، سه کشور ایران، عراق و لبنان به‌عنوان نمونه‌های شاخص دارای سابقه‌ی طولانی جنگ در منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نگارندگان با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیده‌اند که ایران، عراق و لبنان بر پایه قوانین داخلی خود، نظام‌های حمایتی چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، درمانی، آموزشی، استخدامی و اجتماعی فرهنگی طراحی کرده‌اند، اما در عمل هر سه کشور با چهار چالش مشترک کمبود منابع مالی، ضعف ضمانت اجرای قوانین، تعدد نهادهای متولی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد کارآمد مواجه‌اند که کارایی این نظام‌ها را کاهش داده است؛ این چالش‌ها در سایر کشورهای خاورمیانه نیز به صورت کم‌وبیش قابل مشاهده است. اصلاحات هماهنگ ساختاری، نظارتی و حقوقی در ایران، عراق و لبنان، همراه با هم‌افزایی منطقه‌ای و بهره‌گیری از استانداردهای حقوق بشر و عدالت اجتماعی، می‌تواند الگوی کارآمد و قابل‌تعمیم برای ارتقای نظام‌های حمایتی ایثارگران در سراسر خاورمیانه فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: ایثارگران، حمایت‌های اجتماعی، مطالعه تطبیقی، ایران، عراق، لبنان، خاورمیانه.

۱. دانشجوی دکترا، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

masoud.raei@iau.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقدمه

جنگ‌ها، اشغال‌ها و منازعات داخلی و منطقه‌ای در خاورمیانه طی پنجاه سال اخیر، شمار قابل توجهی از کشته‌شدگان، جانبازان، معلولان جنگی و خانواده‌های آنان را در این منطقه بر جای گذاشته است. از ایران و عراق پس از جنگ هشت‌ساله، تا لبنان پس از جنگ داخلی و درگیری با اسرائیل، و نیز سوریه، یمن، فلسطین و دیگر کشورهای درگیر بحران، همگی با جمعیت عظیمی از ایثارگران و خانواده‌های آنان مواجه بوده‌اند. این واقعیت، دولت‌های منطقه را به طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی متنوعی ناگزیر ساخته است؛ با این حال، نظام‌های حقوقی و سیاست‌های حمایتی در کشورهای مختلف خاورمیانه از حیث تعریف مشمولان، دامنه پوشش، نوع مزایا و ساختار نهادی تفاوت‌های چشمگیری دارند و کمتر به صورت تطبیقی و نظام‌مند مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. پرسش اساسی پژوهش حاضر آن است که سیاست‌های حمایتی از ایثارگران در کشورهای خاورمیانه، بخصوص در ایران، عراق و لبنان چگونه است؟ در پاسخ به این پرسش، به نظر می‌رسد سیاست‌های حمایتی از ایثارگران در ایران، عراق و لبنان، علی‌رغم طراحی نظام‌های چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، درمانی، آموزشی، استخدامی و اجتماعی-فرهنگی مبتنی بر قوانین داخلی، در عمل با چهار چالش مشترک یعنی کمبود منابع مالی، ضعف ضمانت اجرای قوانین، تعدد نهادهای متولی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد کارآمد مواجه هستند که کارایی این نظام‌ها را کاهش داده است؛ با این حال، اصلاحات هماهنگ ساختاری، نظارتی و حقوقی همراه با هم‌افزایی منطقه‌ای و بهره‌گیری از استانداردهای حقوق بشر و عدالت اجتماعی می‌تواند الگویی کارآمد و قابل تعمیم برای ارتقای نظام‌های حمایتی در سراسر خاورمیانه فراهم آورد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف اصلی مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایتی از ایثارگران در سه کشور ایران، عراق و لبنان و ارائه الگویی مطلوب برای اصلاح و ارتقای این سیاست‌ها در سطح منطقه‌ای خاورمیانه صورت گرفته است.

۱. جایگاه حمایت از ایثارگران در نظام‌های حقوقی کشورهای خاورمیانه

نظام‌های حقوقی کشورهای خاورمیانه با توجه به سابقه طولانی جنگ‌ها، اشغال‌ها و منازعات داخلی و منطقه‌ای، چارچوب‌های حمایتی متنوعی برای ایثارگران و خانواده‌های آنان تدوین کرده‌اند. در اکثر این کشورها، اصول قانون اساسی بر لزوم حمایت از جانبازان و خانواده شهدا تأکید

دارد و قوانین عادی و آیین‌نامه‌های اجرایی، جزئیات حمایت‌ها را تعیین می‌کنند. به‌عنوان نمونه، در جمهوری اسلامی ایران، قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶، ایثارگر را شخصی می‌داند که «برای استقرار و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشور تلاش کرده باشد» (کفراشی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۲۹). در عراق، قانون مؤسسه شهدا (قانون شماره ۲ سال ۲۰۱۶)، شهید را شهروند عراقی یا هر شخص مقیم عراق معرفی می‌کند که جان خود را در نتیجه جنایات حزب بعث یا در پاسخ به فراخوان ملت و مرجعیت عالی دینی از دست داده باشد. در لبنان نیز قانون شماره ۰ مورخ ۲ ژوئن ۱۹۴۸ مربوط به معاشات بازنشستگی و اعطای نشان‌ها در زمان جنگ، چارچوب اصلی حمایت از پرسنل نظامی و خانواده‌های آنان را تعیین کرده است (Rajaei & Hamid chasib, 2026: 5). در سایر کشورهای منطقه نیز قوانین مشابهی وجود دارد؛ برای نمونه در سوریه، قانون شماره ۱۹ مصوب ۲۰۱۴ به جانبازان و خانواده‌های شهدای جنگ حق مسکن، معافیت‌های مالیاتی و اولویت استخدامی اعطا کرده است. در اردن، صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی، پوشش‌های بازنشستگی و درمانی ویژه‌ای برای نظامیان بازنشسته و مجروحان جنگی فراهم می‌آورد. در مصر نیز قانون تأمین اجتماعی و بیمه اجتماعی، مزایای خاصی برای جانبازان و خانواده شهدای جنگ ۱۹۷۳ و عملیات‌های ضدتروریستی در نظر گرفته است. با این همه، نقطه ضعف مشترک این نظام‌ها در بسیاری از کشورهای منطقه، غفلت از وضعیت پویای معیشتی و روانی خانواده‌ها در دوران پساجنگ و همچنین نبود سازوکارهای به‌روز برای پاسخ‌گویی به منازعات نوین و پوشش تمامی قربانیان غیرنظامی است. از این‌رو، بازنگری در شمولیت تعاریف و روزآمدسازی مکانیزم‌های جبران خسارت فراتر از رویه‌های سنتی بازنشستگی و نشان‌ها، ضرورتی عمومی در خاورمیانه محسوب می‌شود.

۱-۱. مفهوم ایثارگر و گونه‌های حمایت از وی

نظام‌های حقوقی کشورهای خاورمیانه با الهام از ارزش‌های دینی، فرهنگ ایثار و تجربه جنگ‌های منطقه‌ای، تعاریف و گونه‌های حمایتی متنوعی برای ایثارگران تدوین کرده‌اند. در ایران، قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران (ماده ۱) ایثارگر را در چارچوب دفاع از نظام و استقلال

کشور تعریف می‌کند. در عراق، قانون مؤسسه شهدا تعریف گسترده‌تری ارائه می‌دهد و علاوه بر شهروندان عراقی، سایر ساکنان را نیز در صورت فداکاری در نتیجه جنایات بعث یا در پاسخ به فراقوان مرجعیت دینی، مشمول می‌داند و بستگان شهید را به‌طور مشخص شامل والدین، فرزندان، همسران، برادران، خواهران و حتی برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها معرفی می‌کند (قانون مؤسسه الشهداء رقم (۲) لسنة ۲۰۱۶، ماده ۱). در لبنان، قانون شماره ۰ مورخ ۲ ژوئن ۱۹۴۸ بیشتر بر پرسنل نظامی و کارمندان دولت متمرکز است و به مجروحیت در میادین جنگی در زمان جنگ یا عملیات‌های جنگی در زمان صلح اشاره دارد (قانون رقم ۰، ۱۹۴۸: ماده ۴). در ترکیه نیز قانون شماره ۳۷۱۳ مورخ ۱۹۶۳، جانبازان و خانواده شهدا را به‌عنوان «قهرمانان ملی» معرفی کرده و خدمات متنوعی از جمله مستمری، درمان رایگان و اولویت شغلی برای آنان در نظر گرفته است. در کشورهای حاشیه خلیج فارس نظیر عربستان و امارات، قوانین خاصی برای خانواده‌های شهدای عملیات ائتلاف در یمن و نیز نظامیان بازنشسته تدوین شده که عمدتاً بر حمایت‌های مالی و مسکن متمرکز است. در همه این کشورها، مبانی حقوقی حمایت بر سه سطح قانون اساسی، قوانین عادی و آیین‌نامه‌های اجرایی استوار است. برای نمونه در ایران، اصل بیست‌ونهم قانون اساسی تأمین اجتماعی را حق همگانی می‌داند و قانون جامع، چارچوب تفصیلی را ترسیم کرده است. در عراق، ماده ۱۳۲ قانون اساسی مبنای جبران خسارت قربانیان را تعیین کرده و دو قانون اصلی (قانون مؤسسه شهدا و قانون جبران خسارت قربانیان اشتباهات نظامی و اقدامات تروریستی) به‌طور هم‌زمان و با هماهنگی ناقص اجرا می‌شوند. در لبنان، قانون مذکور و احکام مربوط به مستمری ازکارافتادگی، چارچوب اصلی را تشکیل می‌دهند (Loft, 2024: 01). در کشورهایی چون اردن و مصر نیز قوانین خاص صندوق‌های بازنشستگی و بیمه اجتماعی، پوشش‌های حمایتی را رقم زده‌اند. هرچند در بسیاری از این کشورها، فقدان هماهنگی بین قوانین متعدد و نبود یک نهاد واحد متولی، از مشکلات رایج است.

۲-۱. ویژگی‌های نظام‌های حمایتی در کشورهای خاورمیانه

نظام‌های حمایتی از ایثارگران در خاورمیانه، عمدتاً محصول مستقیم جنگ‌ها، اشغال‌ها و منازعات منطقه‌ای هستند و هر کشوری بر اساس تجربه تاریخی خود، ساختار خاصی از حمایت را طراحی کرده است. در ایران، جنگ هشت‌ساله (۱۹۸۸-۱۹۸۰) منجر به تصویب قانون جامع

خدمات‌رسانی به ایثارگران در سال ۱۳۸۶ شد (بیات، ۱۴۰۳: ۲۵). در عراق، جنگ‌های متعدد از جمله جنگ با ایران، جنگ‌های خلیج‌فارس و سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، به تصویب قوانینی مانند قانون مؤسسه شهدا انجامید که دامنه آن با اصلاحات بعدی به جنگ‌جویان علیه داعش نیز تعمیم یافت. در لبنان، جنگ داخلی پانزده‌ساله (۱۹۹۰-۱۹۷۵) و درگیری‌های متعاقب با اسرائیل، بستر شکل‌گیری قوانینی چون قانون شماره ۰ مورخ ۲ ژوئن ۱۹۴۸ درباره معاشات بازنشستگی در زمان جنگ شد. در سایر کشورهای منطقه نیز قوانین مشابهی وجود دارد؛ برای نمونه در سوریه، قانون شماره ۱۹ مصوب ۲۰۱۴ به جانبازان و خانواده‌های شهدا حق مسکن، معافیت‌های مالیاتی و اولویت استخدامی اعطا کرده است، و در ترکیه، قانون شماره ۳۷۱۳ مورخ ۱۹۶۳، جانبازان را به‌عنوان «قهرمانان ملی» معرفی و حمایت‌های گسترده‌ای برای آنان در نظر گرفته است. از حیث مبانی حقوقی، در اغلب کشورهای خاورمیانه از جمله سه کشور مورد مطالعه، اصول قانون اساسی چارچوب کلی حمایت را تعیین کرده و قوانین عادی جزئیات را مشخص می‌کنند. در ایران، اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، برخورداری از تأمین اجتماعی را به‌عنوان حق همگانی به رسمیت شناخته است. در عراق، ماده ۱۳۲ قانون اساسی، مبنای جبران خسارت قربانیان جنگ را فراهم کرده است و در لبنان نیز مفاد مشابهی در قانون اساسی وجود دارد (القریشی، ۲۰۲۴: ۱). در کشورهایی چون اردن و مصر نیز قوانین خاص صندوق‌های بازنشستگی و بیمه اجتماعی، پوشش‌های حمایتی را رقم زده‌اند، هرچند در بسیاری از این کشورها، فقدان هماهنگی بین قوانین متعدد و نبود یک نهاد واحد متولی، از مشکلات رایج است.

نقش مذهب و فرهنگ نیز در این میان برجسته است. در ایران، مفاهیم «ایثار» و «شهدادت» ریشه در باورهای عمیق اسلامی دارد و قانون جامع نیز بر همین مبنا تدوین شده است. در عراق، قانون مؤسسه شهدا با استناد به «فراخوان ملت و مرجعیت عالی دینی» شکل گرفته و در لبنان، با وجود ساختار کثرت‌گرای فرقه‌ای، قوانین حمایتی بر ارزش‌های مشترک احترام به فداکاری در راه میهن استوار است (عبدالهادی، ۱۴۰۲: ۴۵). در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نظیر عربستان و امارات نیز قوانین حمایتی با تأکید بر ارزش‌های ملی و دینی، عمدتاً بر حمایت‌های مالی و مسکن متمرکز شده است. نهادهای دولتی و عمومی، نقش کلیدی در اجرای این قوانین دارند. در ایران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، نهاد متولی اصلی است. در عراق، مؤسسه شهدا عهده‌دار این مسئولیت است و در

لبنان، وزارتخانه‌های دفاع و دارایی، متولی اجرای قوانین مربوط به بازداشت‌شدگان نظامیان هستند. در سایر کشورها نیز نهادهای مشابهی فعالیت می‌کنند؛ مانند صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح در اردن و سازمان تأمین اجتماعی جانبازان در مصر (خوری، ۲۰۲۲: ۳۶). با وجود این ساختارها، چالش‌های مشترکی نظیر هماهنگی ضعیف میان نهادهای کمبود منابع مالی و نبود نظام ارزیابی عملکرد کارآمد، کارایی این نهادها را در سطح منطقه با مانع مواجه ساخته است.

۲. مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایتی در ایران، عراق و لبنان

بر اساس قوانین و اسناد حقوقی موجود در ایران، عراق و لبنان، مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایتی از ایثارگران نشان می‌دهد که هر سه کشور با تکیه بر مبانی قانونی داخلی (قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران در ایران، قانون مؤسسه شهدا در عراق و قانون شماره ۰ مورخ ۲ ژوئن ۱۹۴۸ در لبنان)، نظام‌های حمایتی چندبعدی را در حوزه‌های اقتصادی، آموزشی، درمانی، استخدامی و اجتماعی-فرهنگی طراحی کرده‌اند (علی‌والی، ۲۰۲۱: ۷۲۱). با این حال، تفاوت‌های معناداری در گستره پوشش، تعریف مشمولان و میزان مزایای ارائه‌شده میان این سه کشور وجود دارد. چالش‌های مشترکی نظیر هماهنگی ضعیف میان نهادهای متولی، کمبود منابع مالی و نبود نظام ارزیابی عملکرد کارآمد، کارایی اجرایی این نظام‌ها را در هر سه کشور با مانع مواجه ساخته است.

۲-۱. نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی حمایت از ایثارگران در ایران، بر پایه قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن استوار است. این قانون که برگرفته از اصل بیست‌ونهم قانون اساسی در باب تأمین اجتماعی است، تعریف مشخصی از «ایثارگر» ارائه داده و چارچوب جامعی برای حمایت‌های گوناگون ترسیم کرده است. نهاد متولی اصلی اجرای این قانون، بنیاد شهید و امور ایثارگران است؛ سازمانی دولتی که مسئولیت رسیدگی به امور جانبازان و خانواده‌های شهدا را بر عهده دارد. بودجه این بنیاد در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۷۲ هزار میلیارد تومان برآورد شده است (آهنگرسله‌بنی، ۱۴۰۴: ۶۶۵). در حوزه حمایت‌های اقتصادی، قانون مقرر داشته که به شهدا، جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و آزادگان شاغل، مبلغی معادل ۲۵ درصد حداقل حقوق پرداخت شود. حمایت‌های درمانی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که بر اساس ماده ۲۱ قانون

جامع، هزینه‌های درمانی ایثارگران تأمین می‌شود و هم‌اکنون ۸۵ درصد خدمات درمانی آنان از طریق بیمه دی ارائه می‌گردد. در زمینه حمایت‌های آموزشی و استخدامی، قانون سهمیه ۲۵ درصدی برای استخدام ایثارگران در دستگاه‌های اجرایی در نظر گرفته است و نیز سهمیه‌های ویژه‌ای برای ورود به دانشگاه‌ها از طریق کنکور سراسری پیش‌بینی شده است (منصوری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۹). همچنین ایران دارای خدمات اختصاصی مانند «مدارس شاهد» و «مدارس بزرگسالان ایثارگران» است که در بسیاری از کشورهای منطقه نظیر عراق و لبنان وجود ندارد و تنها در کشورهایی مانند الجزایر و ترکیه نمونه‌های مشابهی دیده می‌شود.

۲-۲. نظام حقوقی عراق

در عراق، چارچوب اصلی حمایت از ایثارگران، قانون مؤسسه شهدا (قانون شماره ۲ سال ۲۰۱۶) است که جایگزین قوانین پیشین شده و به‌روزرسانی‌هایی را در زمینه حقوق و امتیازات خانواده‌های شهدا اعمال کرده است. نهاد متولی، مؤسسه شهدا است که در سال ۲۰۰۵ تأسیس شده و به‌عنوان یک نهاد دولتی زیر نظر هیئت وزیران فعالیت می‌کند. این مؤسسه موظف است وضعیت عمومی خانواده‌های شهدا و جانبازان را ساماندهی کرده و آنان را به صورت مادی و معنوی جبران خسارت کند. در بخش حمایت‌های اقتصادی، قانون برای خانواده‌های شهدا مستمری، واحد مسکونی یا قطعه زمین (با امکان دریافت معادل نقدی)، معافیت از مالیات بر ارث و کمک برای انجام مناسک حج در نظر گرفته است. قانون عراق کمک‌های اجتماعی ماهانه‌ای برای خانواده‌های شهدا در نظر گرفته است؛ هرچند مبلغ دقیق این کمک‌ها نیازمند بررسی متن قانون و اصلاحات بعدی آن است (خوری، ۲۰۲۲: ۴۱). حمایت‌های درمانی شامل پوشش هزینه‌های سفر درمانی در داخل و خارج از کشور و اولویت در بررسی توسط کمیته‌های دولتی برای اعزام بیماران به خارج است. قانون عراق سهمیه‌های ویژه‌ای برای پذیرش دانشجویان از خانواده‌های شهدا در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در نظر گرفته است؛ هرچند آمار دقیق این سهمیه‌ها نیازمند بررسی منابع دست‌اول قانونی استوارت آموزش عالی نیز ضوابط خاصی را برای پذیرش این گروه تدوین کرده است. حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز از طریق برگزاری مراسم بزرگداشت شهدا و ترویج ارزش‌های ایثار در جامعه انجام می‌شود. در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه، عراق به‌لحاظ تنوع مزایای غیرنقدی (زمین و مسکن) از ایران و لبنان جلوتر است، اما در هماهنگی نهادی و پیشگیری

از فساد با مشکلات بیشتری مواجه است؛ موضوعی که در سوریه و یمن نیز به سبب شرایط جنگی و بی‌ثباتی سیاسی به چشم می‌خورد.

۳-۲. نظام حقوقی لبنان

نظام حقوقی لبنان در زمینه حمایت از ایثارگران، عمدتاً بر قانون شماره ۰ مورخ ۲ ژوئن ۱۹۴۸ مربوط به «معاشات بازنشستگی، ترفیعات و اعطای نشان‌ها در زمان جنگ و حین عملیات‌های جنگی» استوار است. این قانون که برای پرسنل نظامی و کارمندان دولت تدوین شده، چارچوب اصلی حمایت‌های مالی و رفاهی را در زمان جنگ تعیین می‌کند. نهادهای متولی اصلی، وزارت دفاع، وزارت دارایی و شورای عالی دفاع هستند که مسئولیت اجرای این قانون و پرداخت مزایا را بر عهده دارند. در حوزه حمایت‌های اقتصادی، این قانون به پرسنل نظامی هنگام شروع عملیات‌های جنگی، غرامت مقطوعی معادل یک ماه حقوق به همراه تمام مزایای قانونی تکمیلی تعلق می‌گیرد و پس از بازنشستگی یا ازکارافتادگی، مستمری متناسبی دریافت می‌کنند (Parvaneh et al, 2026: 281). حمایت‌های درمانی نیز شامل پوشش هزینه‌های درمانی و توانبخشی برای مجروحان جنگی است. در زمینه حمایت‌های آموزشی و استخدامی، قوانین لبنان عمدتاً بر اولویت‌های شغلی در بخش دولتی برای خانواده‌های شهدا و جانبازان متمرکز است. حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز شامل اعطای نشان‌های افتخار نظامی و برگزاری مراسم تجلیل از مقام ایثارگران می‌شود. با این حال، بحران مالی شدید لبنان باعث کاهش شدید ارزش مستمری‌ها شده و این نظام را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در مقایسه با کشورهای حوزه خلیج فارس که از منابع نفتی برای حمایت پایدار برخوردارند، لبنان و نیز اردن و مصر با محدودیت بودجه‌ای بیشتری روبه‌رو هستند و ناچار به استفاده از سازوکارهای موقتی و کمک‌های اضطراری روی آورده‌اند.

۳.۳. ارزیابی تطبیقی

نظام‌های حمایتی ایران، عراق و لبنان علیرغم تفاوت‌های ساختاری، اشتراکات قابل توجهی از جمله تمرکز بر حمایت‌های اقتصادی، درمانی، آموزشی و استخدامی و وجود نهادهای دولتی متولی دارند. با این حال، هر سه کشور با چالش‌های مشترک جدی نظیر کمبود منابع مالی، ضعف ضمانت اجرا، تعدد نهادهای متولی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد کارآمد مواجه‌اند که کارایی این نظام‌ها را

به‌طور محسوس سی کاهش داده است (Ali Hameed, 2024: 5). این چالش‌ها در سایر کشورهای منطقه نیز به صورت کم‌وبیش مشابه دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از آن به‌عنوان «بیماری‌های مشترک نظام‌های حمایتی خاورمیانه» یاد کرد.

۱-۳. وجوه اشتراک و افتراق سه کشور

در بُعد اشتراکات، هر سه کشور به‌دلیل سابقه جنگ‌های طولانی و منازعات منطقه‌ای، نظام‌های حمایتی خود را حول محور حمایت‌های اقتصادی، درمانی، آموزشی و استخدامی سازماندهی کرده‌اند و نهادهای دولتی مشخصی متولی این سیاست‌ها هستند (بنیاد شهید در ایران، مؤسسه شهدا در عراق، و وزارت دفاع و دارایی در لبنان) (اصحابی، ۱۴۰۲: ۳). همچنین در حوزه خدمات آموزشی، مطالعه‌ای تطبیقی میان ۲۷ کشور نشان داده که ایران و لبنان به‌همراه تایوان، انگلستان و الجزایر بیشترین تنوع خدمات آموزشی را به فرزندان شهدا و جانبازان ارائه می‌دهند؛

در بُعد افتراقات، تفاوت‌های معناداری در تعریف مشمولان، نوع و میزان مزایا و ساختار نهادی وجود دارد. قانون ایران اینارگر را در چارچوب دفاع از نظام جمهوری اسلامی تعریف کرده؛ در حالی که قانون عراق گسترده‌تر بوده و شامل قربانیان جنایات بعث، عملیات انفال و کشته‌شدگان در پاسخ به فراخوان مرجعیت دینی از ژوئن ۲۰۱۴ به‌بعد می‌شود (کوهساری، ۱۴۰۰: ۷۲). در لبنان، دامنه شمول محدودتر و عمدتاً معطوف به پرسنل نظامی است. از نظر مزایا، عراق تأمین مسکن و معافیت مالیاتی را ارائه می‌دهد که در ایران کمتر دیده می‌شود و لبنان نیز به‌دلیل بحران مالی، حتی در پرداخت مستمری‌های پایه با مشکل مواجه است. در ساختار نهادی، بنیاد شهید ایران با سابقه طولانی‌تر (تأسیس ۱۹۸۲) از گستره فعالیت و وسیع‌تری نسبت به مؤسسه شهدای عراق و نهادهای لبنانی برخوردار است (بزرگی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۹). در سایر کشورهای منطقه نظیر سوریه و یمن، به‌علت تداوم جنگ، نظام‌های حمایتی اغلب موقت، غیررسمی و وابسته به کمک‌های بین‌المللی است و فاصله زیادی با ساختارهای نهادی پایدار در ایران و تا حدی عراق دارند.

۲-۳. چالش‌های مشترک کشورهای خاورمیانه

چهار چالش مشترک در هر سه کشور و به‌طور کلی در بسیاری از کشورهای منطقه قابل تشخیص است:

۱. کمبود منابع مالی: در ایران، چندین دوره به دلیل کمبود بودجه، بخش‌های فرهنگی و عمرانی بنیاد شهید کوچک‌تر شده است (اسمعیل‌زاده‌ساریجالو، ۱۴۰۳: ۶). در عراق، رئیس مؤسسه شهدا از تخصیص ۱۰۰ میلیارد دینار برای جبران خسارت قربانیان تروریسم خبر داده که نشان از کمبود مزمن بودجه دارد. در لبنان نیز مستمری بازنشستگان نظامی به دلیل تورم به کسری از ارزش قبلی رسیده و اعتراضات گسترده‌ای را برانگیخته است. کشورهای دیگری مانند اردن و مصر نیز با محدودیت‌های بودجه‌ای مشابهی دست‌به‌گریبان هستند؛

۲. ضعف ضمانت اجرا: در ایران، پس از بیش از ۱۰ سال از تصویب قانون جامع، ارزیابی دقیقی از عملکرد آن صورت نگرفته است (ثابتی‌پور و احمدپور، ۱۳۹۸: ۹۶). در عراق، گزارش‌ها از دریافت کلاهبرداری حقوق و مزایا توسط افراد وابسته به گروه‌های تروریستی حکایت دارد و برآورد می‌شود بیش از ۰/۸ تریلیون دینار به صورت غیرقانونی پرداخت شده باشد. در لبنان نیز قوانین به دلیل بحران مالی شدید به درستی اجرا نمی‌شوند؛

۳. تعدد نهادهای متولی و نبود هماهنگی: در ایران، هماهنگی میان بنیاد شهید، نیروهای مسلح، کمیسیون‌های پزشکی و سایر نهادها ضعیف است. در عراق، مؤسسه شهدا و سایر نهادهای جبران خسارت، هرکدام رویه‌های جداگانه‌ای دارند و هماهنگی میان نهاد فدرال و اقلیم کردستان نیز ناقص است (Nasser, 2024:1). در لبنان نیز وزارت دفاع، وزارت دارایی و شورای عالی دفاع به صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند. این وضعیت در سوریه و یمن به علت چنددستگی نهادی و جنگ، حادتر است؛

۴. فقدان نظام ارزیابی عملکرد کارآمد: در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس برای نخستین بار اقدام به ارزیابی عملکرد قانون جامع کرده است که نشان از نبود ارزیابی منظم در سال‌های پیشین دارد (قاسمیان و شعبان‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۵). در عراق، ارزیابی بر اساس استانداردهای بین‌المللی مانند راهنمای ایتو س‌ای انجام شده که خود مؤید نبود نظام داخلی کارآمد است (عبوش سلطان و کریم، ۲۰۲۵: ۳۹۳). در لبنان نیز نظام ارزیابی مشخصی وجود ندارد و مشکلات ساختاری به موقع شناسایی و رفع نمی‌شوند.

۳-۳. ارائه الگوی مطلوب حمایت از حقوق ایثارگران در کشورهای خاورمیانه

الگوی مطلوب ارائه شده بر چهار راهبرد اساسی استوار است که می‌تواند برای تمامی کشورهای خاورمیانه با اندک تعدیلات بومی، کاربرد داشته باشد:

۳-۱-۳. اصلاح قوانین

اصلاح قوانین موجود، نخستین و بنیادی‌ترین گام در راستای ارتقای نظام‌های حمایتی از ایثارگران در کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود. بررسی تطبیقی قوانین منطقه نشان می‌دهد که علی‌رغم تصویب قوانین جامع در بسیاری از کشورها، ناکارآمدی‌های ساختاری، پراکندگی متون قانونی، ابهام در تعاریف و نبود ضمانت‌اجراهای مؤثر، کارایی این قوانین را به شدت کاهش داده است. اصلاح قوانین باید بر شفاف سازی تعاریف، تجمیع قوانین پراکنده، تعیین دقیق سهمیه‌های حمایتی مبتنی بر نیازهای واقعی، ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر بر اجرای قوانین و شاخص سازی مزایا متناسب با نرخ تورم و نوسانات اقتصادی متمرکز باشد (Rajaei & Hamid chasib, 2026: 10). در ایران، بازنگری در قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و تجمیع قوانین پراکنده در دستور کار قرار گرفته است (پورمهدی، ۱۴۰۴: ۵). در عراق، اصلاحیه اخیر قانون مؤسسه شهدا با رأی دیوان عالی فدرال مواجه شده و نیاز به بازنگری دارد تا با اصول برابری و عدالت منطبق شود (القریشی، ۲۰۲۴: ۲). در لبنان نیز اصلاح قانون بازنشستگی نظامیان با هدف شاخص سازی مستمری و ایجاد نظام مالی پایدار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در سوریه، قانون شماره ۱۹ مصوب ۲۰۱۴ علی‌رغم جامعیت ظاهری، به دلیل شرایط جنگی و بی‌ثباتی سیاسی با چالش جدی در اجرا مواجه است و نیازمند بازنگری در سازوکارهای نظارتی می‌باشد. در اردن، اصلاح قوانین صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح با هدف افزایش شفافیت و کاهش فساد اداری در اولویت قرار دارد. در مصر نیز قانون تأمین اجتماعی نیروهای مسلح نیازمند به‌روزرسانی در زمینه شاخص سازی مستمری‌ها متناسب با تورم است (کوه‌ساری، ۱۴۰۰: ۷۸). در ترکیه، قانون شماره ۳۷۱۳ علی‌رغم برخورداری از رویکرد «قهرمانان ملی»، با نبود شفافیت در فرآیندهای احراز صلاحیت مواجه است که اصلاح آن را ضروری ساخته است. در کشورهای حاشیه خلیج فارس نظیر عربستان و امارات، قوانین حمایتی عمدتاً بر حمایت‌های مالی و مسکن متمرکز است و نیازمند تنوع بخشی به خدمات (به‌ویژه در حوزه‌های آموزشی و توانبخشی روانی) می‌باشند. سایر کشورهای منطقه نیز می‌توانند با الگوبرگیزی از اصلاحات مذکور، قوانین خود را به‌روز کنند.

۳-۲-۳. تقویت نهادهای حمایتی

تقویت نهادهای حمایتی به‌عنوان دومین راهبرد اساسی، نیازمند تحول ساختاری، مدیریتی و منابع انسانی در نهادهای متولی کشورهای خاورمیانه است. تجارب منطقه‌ای نشان می‌دهد که نهادهای حمایتی علیرغم تأسیس طولانی‌مدت، با چالش‌های ساختاری نظیر تمرکزگرایی، نبود شفافیت مالی، ضعف هماهنگی بین‌نهادی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد مواجه‌اند (بیات، ۱۴۰۳: ۵۶). تقویت این نهادها باید بر اصلاح ساختار سازمانی، افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی، ایجاد نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر شاخص‌های کمی و کیفی، و تقویت هماهنگی با سایر نهادهای دولتی متمرکز باشد. همچنین مشارکت فعال خود ایثارگران و خانواده‌های آنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی و نظارت، می‌تواند به ارتقای کارآمدی این نهادها کمک شایانی نماید. در ایران، آسیب‌شناسی مدیریتی بنیاد شهید حاکی از غلبه رویکرد سرپرستی‌محور و نبود نظام پایش رفتار سازمانی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۰). در عراق، تفکیک وظایف قضایی و اداری مؤسسه شهدا و هماهنگی با اقلیم کردستان ضروری است (Fazaeli & Abdul-Kadhim, 2025: 12). در لبنان، حرکت از نظام پراکنده بازنشستگی به سمت نظامی منسجم و فراگیر پیشنهاد می‌شود. در اردن، هماهنگی بین صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و سایر نهادهای حمایتی می‌تواند کارایی را افزایش دهد. در مصر، سازمان تأمین اجتماعی جانبازان نیازمند اصلاح ساختاری و کاهش بروکراسی اداری است. در ترکیه، ایجاد نظام ثبت‌نام یکپارچه برای جانبازان و خانواده شهدا می‌تواند به شفافیت و کاهش فساد کمک کند. در سوریه و یمن، به‌دلیل شرایط جنگی، نهادهای حمایتی اغلب غیررسمی و وابسته به کمک‌های بین‌المللی هستند و تقویت آنها نیازمند ایجاد ساختارهای پایدار دولتی است (عبدالهادی، ۱۴۰۲: ۶۶). در کشورهای حاشیه خلیج فارس، نهادهای حمایتی عمدتاً به‌خوبی تأمین مالی می‌شوند، اما با چالش هماهنگی بین نهادهای مختلف (نظامی و غیرنظامی) مواجه هستند.

۳-۳-۳. همکاری‌های منطقه‌ای

همکاری‌های منطقه‌ای به‌عنوان سومین راهبرد، با توجه به اشتراکات فرهنگی، تاریخی و تجربیات مشابه جنگ‌های منطقه‌ای، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای ارتقای نظام‌های حمایتی در خاورمیانه فراهم می‌آورد. کشورهای منطقه می‌توانند با ایجاد شبکه منطقه‌ای تبادل تجارب در حوزه

سیاست‌گذاری حمایت از ایثارگران، از تجارب موفق یکدیگر در زمینه طراحی قوانین، ساختار نهاد‌های متولی، نظام‌های تأمین مالی و روش‌های ارزیابی عملکرد بهره‌مند شوند. برگزاری نشست‌های دوره‌ای کارشناسان و مسئولان نهادهای حمایتی، ایجاد پایگاه داده مشترک از قوانین و سیاست‌های حمایتی و تدوین منشور منطقه‌ای حقوق ایثارگران با الهام از موازین اسلامی و ارزش‌های مشترک فرهنگی، از جمله اقدامات قابل‌اجرا در این زمینه است (Ali Hameed, 2024: 9). همچنین همکاری در زمینه تأمین مالی پایدار از طریق ایجاد صندوق منطقه‌ای حمایت از ایثارگران با مشارکت کشورهای عضو، می‌تواند به کاهش فشارهای مالی بر دولت‌ها کمک کند.

ایران و عراق در این زمینه گام‌هایی نظیر امضای تفاهمنامه همکاری بین بنیاد شهید و مؤسسه شهدا و تبادل پیکرهای شهدا برداشته‌اند (آهنگرسله‌بنی، ۱۴۰۴: ۶۷۴). لبنان نیز با بهره‌گیری از ظرفیت اتحادیه عرب و تجارب ایران و عراق می‌تواند نظام خود را ارتقا دهد. اتحادیه عرب که در سال ۲۰۲۵ میزبان بیست‌ونهمین مجمع عمومی اتحادیه عرب جانبازان و قربانیان جنگ با شعار «با هم برای صلح» بود، می‌تواند بستری مناسب برای همکاری‌های منطقه‌ای فراهم آورد. سوریه و اردن نیز می‌توانند با ایجاد کمیته‌های مشترک با کشورهای همسایه، از تجارب آنان در زمینه مدیریت پرونده‌های شهدا و جانبازان بهره‌مند شوند. مصر به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حوزه قوانین بازنشستگی نظامیان، می‌تواند نقش محوری در انتقال تجارب به سایر کشورهای منطقه ایفا کند (Loft, 2024: 03). ترکیه نیز با سابقه طولانی در حمایت از جانبازان (قانون ۳۷۱۳)، می‌تواند در زمینه نظام‌های ارزیابی عملکرد و توانبخشی روانی به کشورهای دیگر کمک کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس با برخورداری از منابع مالی قابل‌توجه، می‌توانند در تأمین مالی صندوق منطقه‌ای حمایت از ایثارگران نقش مؤثری داشته باشند. دیگر کشورهای منطقه نیز می‌توانند در این همکاری‌ها مشارکت کنند و از موفقیت‌ها و شکست‌های یکدیگر بیاموزند.

۳-۴- بهره‌گیری از استانداردهای حقوق بشر و عدالت اجتماعی

حقوق بشر و عدالت اجتماعی به‌عنوان چهارمین راهبرد، ضرورتی بنیادین برای تحقق کرامت انسانی ایثارگران و خانواده‌های آنان در سراسر خاورمیانه است. پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی نهادهای ملی حمایت از حقوق بشر در کشورهای منطقه می‌تواند زمینه‌های همکاری و ارتقای استانداردهای حمایتی را فراهم آورد (اسمعیل‌زاده ساریجالو، ۱۴۰۳: ۱۲). الگوی

مطلوب، کشورهای خاورمیانه را به سمت تصویب قوانین مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، ایجاد نظام‌های پاسخ‌گویی و شفافیت، تضمین دسترسی برابر به خدمات برای تمامی ایثارگران بدون تبعیض، و مشارکت فعال ایثارگران و خانواده‌های آنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی و نظارت هدایت می‌کند.

در ایران، نگرش «شهادی زنده» به‌عنوان وظیفه یا کار رایگان با استانداردهای توانبخشی بین‌المللی در تضاد است (بیات، ۱۴۰۳: ۹۵) و نیازمند بازنگری در رویکردهای فرهنگی و اجتماعی از نگاه سرپرستی‌محور به توانمندسازی مبتنی بر کرامت انسانی می‌باشد. در عراق، دیوان عالی فدرال بخشی از اصلاحیه قانون مؤسسه شهدا را به‌دلیل مغایرت با برابری و فرصت‌های برابر در قانون اساسی باطل اعلام کرده است که نشان از ضرورت رعایت موازین حقوق بشری در تدوین قوانین دارد (عبوش‌سلطان و کریم، ۲۰۲۵: ۴۰۱). در لبنان، بحران مالی باعث نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی بازنشستگان شده و رئیس‌جمهور این کشور بر لزوم تأمین «زندگی با کرامت» به‌عنوان «حقی مشروع» تأکید کرده است. در سوریه و یمن، به‌دلیل ادامه جنگ، نقض گسترده حقوق اقتصادی و اجتماعی ایثارگران گزارش شده و نیازمند مداخله فوری نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای است. در اردن و مصر، با وجود قوانین نسبتاً پیشرفته، نابرابری در توزیع مزایا بین گروه‌های مختلف ایثارگران (نظامی و غیرنظامی) مشاهده می‌شود که نیازمند بازنگری در معیارهای احراز صلاحیت است. در ترکیه، رویکرد «قهرمانان ملی» تا حدی کرامت جانبازان را تأمین کرده، اما نبود نظام ارزیابی مستقل، چالش اساسی باقی مانده است. در کشورهای حاشیه خلیج فارس، تمرکز بیش از حد بر حمایت‌های مالی و غفلت از توانبخشی روانی و اجتماعی جانبازان، نیازمند تغییر رویکرد به سمت حمایت‌های همه‌جانبه است (Sayed et al, 2024: 1). سایر کشورهای منطقه نیز می‌توانند با بهره‌گیری از اصل تبعیض مثبت که در اسناد بین‌المللی برای جبران بی‌عدالتی‌های تاریخی پیش‌بینی شده، کیفیت قوانین خود را ارتقا دهند.

نتیجه‌گیری

پژوهش تطبیقی حاضر نشان داد که کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه ایران، عراق و لبنان، به‌عنوان نمونه‌های شاخص منطقه، با تکیه بر قوانین داخلی خود، نظام‌های حمایتی چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، درمانی، آموزشی، استخدامی و اجتماعی-فرهنگی برای اینترگران طراحی کرده‌اند. با این حال، تفاوت‌های چشمگیری در تعریف مشمولان، دامنه پوشش و میزان مزایا میان آنها و نیز با سایر کشورهای منطقه وجود دارد. اشتراک اصلی، رویارویی با چهار چالش مشترک است: کمبود منابع مالی، ضعف ضمانت اجرای قوانین، تعدد نهادهای متولی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد کارآمد. این چالش‌ها نه تنها در سه کشور مورد مطالعه، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر خاورمیانه نظیر سوریه، اردن، مصر و یمن نیز به‌صورت کم‌وبیش مشابه دیده می‌شوند و کارایی نظام‌های حمایتی را در کل منطقه کاهش داده‌اند. الگوی مطلوب ارائه‌شده بر چهار راهبرد اساسی اصلاح قوانین (با هدف شفاف‌سازی تعاریف، جمع‌بندی قوانین و شاخص‌سازی مزایا)، تقویت نهادهای حمایتی (از طریق اصلاح ساختار، افزایش شفافیت و هماهنگی بین‌نهادی)، همکاری‌های منطقه‌ای (با ایجاد شبکه تبادل تجربه و صندوق مشترک تأمین مالی) و بهره‌گیری از استانداردهای حقوق بشر و عدالت اجتماعی (با تأکید بر کرامت انسانی، توانمندسازی و دسترسی برابر) استوار است. تحقق این الگو نیازمند تعهد سیاسی پایدار، تخصیص منابع کافی و مشارکت فعال خود اینترگران و خانواده‌های آنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی و نظارت در تمامی کشورهای منطقه است تا از یک سو کاستی‌های ساختاری جبران شود و از سوی دیگر، حمایت‌ها از رویکرد سرپرستی‌محور به رویکرد مبتنی بر حق و توانمندسازی تغییر یابد. در نهایت، تنها از طریق اصلاحات هماهنگ ساختاری، نظارتی و حقوقی در سطح ملی و نیز هم‌افزایی منطقه‌ای، می‌توان به نظام حمایتی کارآمد و عادلانه‌ای دست یافت که کرامت و حقوق قانونی اینترگران را در سراسر خاورمیانه به‌شکلی ملموس و پایدار تأمین نماید.

فهرست منابع

- آهنگرسله‌بنی، اعظم (۱۴۰۴). مطالعه برون دادهای فرهنگی اجتماعی در هویت یابی خانواده ایثارگران با تأکید بر هویت ملی و روحیه مقاومت (ناظر بر سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه). راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۴(۵۶)، ۶۵۹-۶۹۸.
- ابراهیمی، هادی؛ نژادایرانی، فرهاد؛ داداش کریمی، یحیی؛ رحیمی، غلامرضا (۱۴۰۴). طراحی مدل تعالی مدیریت عملکرد منابع انسانی در بنیاد شهید و امور ایثارگران. آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۱(۲)، ۳۶-۰۱.
- اسمعیل زاده ساریچالو، جاوید (۱۴۰۳). حقوق شهروندی ایثارگران: ارتقاء شاخص های اجتماعی، ورزشی و فرهنگی. همایش ملی حقوق شهروندی با رویکرد حق سلامت و ارتقا کیفیت زندگی ایثارگران، ایران: ارومیه.
- اصحابی، فاطمه (۱۴۰۲). آسیب شناسی حقوقی انتصاب مدیران در بنیاد شهید. هفتمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی، استرالیا، ملبورن.
- القریشی، حبیب (۲۰۲۴). قانون المساعدة القانونية وتعديل قانون مؤسسه الشهداء إنصاف متأخر لضحايا البعث والإرهاب وجرائم الإبادة.
- پورمهدی، فرانک (۱۴۰۴). جایگاه خانواده شهدا و ایثارگران در جامعه. دوازدهمین همایش ملی تازه های روانشناسی مثبت، ایران، بندرعباس.
- بزرگی، محسن؛ ضرابی، میترا؛ طاهری، محسن (۱۴۰۲). تحلیل حقوق اختصاصی ایثارگران با نگاهی به آیات قرآن کریم و حقوق و قوانین کشورهای (مطالعه موردی: ایران، آمریکا، چین، ژاپن و الجزایر). مطالعات قرآنی، ۱۴(۵۴)، ۲۲۵-۲۵۰.
- بیات، مرضیه (۱۴۰۳). مبانی فقهی - حقوقی مسئولیت دولت در جبران زیان های وارده به ایثارگران. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سیدمهدی میرداداشی، دانشکده اصول الدین مرکز قم، دانشکده اصول الدین.
- ثابتی پور، بهزاد؛ احمدپور، ایوب (۱۳۹۸). تبیین جایگاه دفاتر حمایت حقوقی و قضایی ایثارگران در دادرسی (جلد اول). قانون یار، ۳(۹)، ۸۹-۱۰۳.
- خوری، دینارزق (۲۰۲۲). العراق فی زمن الحرب: الجندیة والاستشهاد وإحياء الذکری. المركز العربی للأبحاث ودراسة السياسات.
- عبوش سلطان، محمد؛ کریم، علی عباس (۲۰۲۵). تقيیم اداء اجراءات مؤسسه الشهداء وفقا لدليل الانتو ساي (۵۳۳۰) فی ادارت ملف تعويضات الشهداء من جراء هجوم عصابات داعش الارهابية. مجله المحاسبية والدراسات المالية، ۲۰(۷۰)، ۴۰۳-۳۹۰.

- عبدالهادی، فواد رسول (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات بنیاد شهید و امور ایثارگران در ساختار نظام خدمات رسانی در ایران و عراق. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد مظهری، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- علی‌والی، رسل (۲۰۲۱). العدالة الانتقالية والمصالحة المجتمعية في العراق بعد عام ۲۰۰۳ الاسباب والآثار. لارک، ۲ (۴۱)، ۷۱۸-۷۳۲.
- قاسمیان، سعید؛ شعبان‌زاده، ایمان (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران (۲)؛ (بررسی فصول تسهیلات اداری - استخدامی و اشتغال و کارآفرینی). گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۱ (۹)، ۹۰-۱۳۲.
- قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران (۱۳۸۶). کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی.
- قانون مؤسسه الشهداء رقم (۲) لسنة ۲۰۱۶ (۲۰۱۶). جمهوری العراق.
- قانون رقم ۰ يتعلق بمعاشات التقاعد والترفعات ومنح الأوسمة في زمن الحرب وأثناء العمليات الحربية. (۱۹۴۸). الجريدة الرسمية، العدد ۲۲.
- کفرآشی، محمدحسین؛ حسن‌مرادی، نرگس؛ معظمی، مجتبی (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی «ارائه خدمات آموزشی و پرورشی به فرزندان شهدا، جانبازان و رزمندگان» در کشورهای مختلف. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۱ (۳۱)، ۶۲۵-۶۵۳.
- کوهساری، زهرا (۱۴۰۰). سیاست‌های رفاه اجتماعی بنیاد شهید برای همسران شهدا (مطالعه کیفی). شاهد اندیشه، ۲ (۳)، ۶۳-۸۳.
- منصوری، کیامرث؛ سوادی، عصمت؛ اسدی کوه‌باد، هرمز (۱۴۰۲). بررسی قوانین ایثارگران با تاکید بر باب جهاد در فقه امامیه. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۶ (۳۲)، ۱۴۵-۱۶۵.
- Ali Hameed, Rana, (2024). Administrative formations competent to guarantee the rights of those covered by the Martyrs Foundation La. Journal of Law and Political Science College, 23(1), 01-36.
- Fazaeli, Mostafa & Abdul-Kadhimi Al-Hamdani, Arkan, (2025). THE LIMITS OF LIABILITY IN COMPENSATING VICTIMS OF TERRORISM; A READING OF INTERNATIONAL INSTRUMENTS AND IRAQI LEGISLATION. lex-localis, 24(5), 01-25.
- Loft, Philip, (2024). Iran's influence in the Middle East. House of Commons Library, Research Briefing.
- Nasser, Kaoutar, (2024). Lebanese Military Veterans Face Pension Plunge. <https://sites.aub.edu.lb/outlook/2024/02/28/lebanese-military-veterans-face-pension-plunge/>

- Parvaneh, Pourya & Mohammadi, Mobina & Zibapoo, Zahra, (2026). Identifying Factors Affecting the Dignity and Honor of Martyrs and Veterans. *Religion, Management, & Governance*, 4 (2), 277-298.
- Rajaei, Mahdi & Hamid chasib, Jaafar, (2026). Legal Challenges in Supporting the Rights of Martyrs' Families in Iranian and Iraqi Law: A Comparative Study. *Journal Of Babylon Center for Humanities Studies*, 16(7), 01-36.
- Sayed, Haneen & Robalino, David & Muhanna, Ibrahim, (2024). Pension Reform in Lebanon: Good Intentions, Uncertain Outcomes.